

## آموزش کار آفرینی، رویکردی کار آمد در جهت اشتغال دانشجویان کشاورزی

دکتر بهمن خسروی پور  
عضو هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و  
منابع طبیعی رامین خوزستان  
شیما کیخواه  
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه  
کشاورزی و منابع طبیعی رامین

بیکاری یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه های اساسی برنامه ریزان بوده است. و بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی از چالش های مهم مسئولان آموزش عالی کشور است. همچنین نرخ این پدیده در بین جمعیت دانش آموختگان رشته های کشاورزی دو برابر نرخ بیکاری سایر توده های بیکار و بالاترین نرخ بیکاری در بین کل دانش آموختگان دانشگاهی است. از طرفی مهارت های کار آفرینانه به عنوان مهم ترین عامل در آماده سازی دانشجویان کشاورزی برای ورود به بازار کار شناسایی شده است. از این رو آموزش کار آفرینی حین تحصیل برای تضمین آینده شغلی دانشجویان کشاورزی از ضروریات به نظر می رسد. این مطالعه به روش مروری و با استفاده از منابع کتابخانه ای و جستجو در سایت های اینترنتی و با هدف تبیین اهمیت مقوله آموزش کار آفرینی به عنوان راهکار اشتغال دانشجویان کشاورزی گردآوری شده است و در پایان پیشنهاد هایی در ارتباط با نهادینه شدن آموزش کار آفرینی در آموزش عالی ارائه شده است.

### واژگان کلیدی:

آموزش، کار آفرینی، آموزش کار آفرینی، اشتغال، دانشجویان کشاورزی

### مقدمه

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی ترین نیازهای یک جامعه محسوب می شود. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه های اساسی برنامه ریزان بوده است (کریسی و همکاران، ۱۳۸۷). به طوری که امروزه چالش های اشتغال یا موضوع کار و بیکاری نه فقط یکی از مهمترین مسائل اجتماعی روز جهان در کشور ما به شمار می آید بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می توان آن را مهمترین چالش اجتماعی چند دهه آینده به حساب آورد. حل این مشکل سیاست گذاران غالب کشورها را با چالش های بزرگی روبرو ساخته است، به گونه ای که می توان گفت ثبات و زوال برخی از دولت ها در گرو حل بحران بیکاری است (بارانی و همکاران، ۱۳۸۸). در واقع بحران بیکاری تهدیدی برای کل جامعه است؛ به ویژه بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی عواقب غیر قابل جبرانی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد داشت (Shiri et al, 2012). گرچه علل و نیز راه حل و درمان این معضل برای ما به روشنی مشخص نیست، اما مشکلات اقتصادی و در صدر آن بیکاری، نقش مهمی در ایجاد و افزایش سایر معضلات دارد (رحمانیان کوشکی و دیگران، ۱۳۹۱). عوامل و دلایل بسیاری نظیر ضعف مهارتی، عدم توانایی در راه اندازی واحدهای اشتغالزا، نبود یا کمبود فرصت های شغلی و... بر این امر دامن زده است (سلیمان پور و حسینی، ۱۳۹۰). یکی از عمده دلایل بیکاری دانش آموختگان این بخش، نارسایی در آموزش های تجربی و کاربردی مناسب در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به شمار می آید و عدم رونق اقتصادی کشاورزی، گسترش بی رویه رشته های کشاورزی و و عرضه فراوان تحصیل کردگان، اشباع بخش دولتی و سیاست کاهش نیرو و عدم توان جذب در بخش خصوصی باعث شده است تا در دهه کنونی با بحران شدید بیکاری دانش آموختگان مواجه باشیم (خسروی پور و سلیمان پور، ۱۳۸۸). همچنین بیکاری

در بسیاری از کشورها، حتی کشورهای پیشرفته صنعتی، به عنوان یک مشکل اساسی مطرح می شود. در گزارشی که در سال ۲۰۰۰ توسط سازمان جهانی کار (World labor organization) منتشر گردید تأکید شده است که کشورهای جهان تا سال ۲۰۱۰ میلادی باید قادر به ایجاد ۵۰۰ میلیون موقعیت شغلی جدید باشند. حل این مشکل سیاست گذاران غالب کشورها را با چالش های بزرگی مواجه کرده است. این مسأله در کشور ما نیز شرایط حاد تری به خود گرفته است به گونه ای که نرخ رسمی بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی از چالش های مهم مسئولان آموزش عالی کشور است (پورکاظمی، ۱۳۸۸). همچنین بر اساس آمار سال ۱۳۸۰ نرخ بیکاری در بین ۱۴۷ هزار دانش آموخته کشاورزی، ۲۸ درصد گزارش شده که این رقم دو برابر نرخ بیکاری سایر توده های بیکار و همچنین بالاترین نرخ بیکاری در بین کل دانش آموختگان دانشگاهی است (بارانی و همکاران، ۱۳۸۹). از طرفی اشتغال زایی مستلزم برنامه های کارآفرینی به ویژه در محیط های آموزش عالی می باشد. تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن، از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می آید، زیرا یک فعالیت کارآفرینی با اثربخشی بالا منجر به توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، نوآوری، رقابت پذیری و... می شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). از این رو فرهنگ سازی کارآفرینی که همانا توسعه و تقویت روحیه کارآفرینی و آموزش آن در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی می باشد به عنوان راه حلی مناسب پیشنهاد می شود (ظریفیان و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین اهمیت کارآفرینی از نظر ایجاد اشتغال باعث شده است تا طی دهه های ۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی به تدریج وفاق عمومی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایجاد گردد، مبنی بر این که بحران بیکاری به جز از طریق توسعه کارآفرینی و دمیدن روح نوآوری در کالبد اجتماع، امکان پذیر نمی باشد (خاتون آبادی و انداده، ۱۳۸۷). از این رو تداوم حیات و بقای جوامع نیازمند ارائه راه ها و روش های جدید به منظور مقابله با مشکلات است. به همین دلیل نوآوری، ابداع، تولید محصولات جدید، فرآیندها و روش های نو بیش از پیش ضرورت می یابد. یکی از راههای اولیه، ایجاد تفکر کارآفرینی در میان دانش آموختگان دانشگاهی است، زیرا با توجه به دانش و مهارتی که در رشته های تخصصی خود فراگرفته اند امکان کسب و کار را به صورت فردی یا گروهی در رشته تخصص خود دارند (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۷). و امروزه هر کشوری نیازمند این است که با توسعه آموزش و پرورش افراد خلاق و کارآفرین، نیازهای موجود جامعه را شناسایی و در جهت رفع آن ها کوشش نماید (بیدختی و دیگران، ۱۳۸۷). چرا که زمانی که بسیاری از اعضای یک جامعه کارآفرینی را

به عنوان شغل بپذیرند، آن جامعه به سرعت رشد می یابد به طوری که کارآفرینی موجب اشتغال جدیدی می شود و موجبات کاهش نرخ بیکاری را فراهم می آورد (هزارجریبی، ۱۳۸۲). زیرا انسان کارآفرین به عنوان یک منبع نامحدود و محور اصلی توسعه، برای پاسخگویی به این مشکلات معرفی شده است؛ برخورداری افراد جامعه از روحیه کارآفرینی فرآیند حل مشکلات را تسهیل می بخشد. نقطه شروع تحولات در این زمینه از نظام عالی شروع می شود و گام نخست، ایجاد جو و فضایی خلاق و کارآفرین است (صادقی شهیمرزادی و عدلی، ۱۳۸۹). از آنجا که نیروی انسانی به به عنوان سرمایه اصلی تحولات علمی و هدف توسعه و رفاه اجتماعی به شمار می رود، نقش دانشگاه ها در تقویت این سرمایه در قالب آموزش کارآفرینی بسیار پر اهمیت و ضروری می نماید. و این نوع آموزش برای دانشجویان و بالطبع فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی ضرورتی دو چندان خواهد داشت.

### تعریف کارآفرینی

کارآفرینی واژه ای بین رشته ای است که توسط زمینه های علمی گوناگون و از دیدگاههای متفاوت مورد مطالعه قرار گرفته است (علی بیگی، ۱۳۸۷). واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی Entrepreneur به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است و در زبان انگلیسی معادل Entrepreneurship می باشد (صدرابرقویی و بیطرف ثانی، ۱۳۸۷). از آنجایی که نخستین گام برای بررسی اهمیت یک مفهوم تعریف آن است، بررسی چندین تعریف از این مفهوم ضروری می نماید. کارآفرینی فرآیندی است که در آن فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت های نو، سازمان های جدید و نوآور و رشد یابنده که توأم با پذیرش مخاطره و ریسک است و منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه می گردد، می نماید (گرچی، ۱۳۸۹). کارآفرینی فرآیندی است که یک کارآفرین فعالیت جدید کوچک و اقتصادی خود را با سرمایه خویش آغاز می کند (TAHERI LARI & AHMADIAN, 2012). در مجموع می توان گفت کارآفرینی فرآیندی است که فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت های نو، سازمان های جدید، نوآور و رشد یابنده کرده که توأم با پذیرش مخاطره و ریسک بوده و منجر به معرفی، توسعه محصول یا خدمت جدیدی به جامعه می شود (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷).

خلاصه آن که کارآفرین با بسیج منابع به یک فرصت کسب و کار تحقق می بخشد.

با توجه به تعاریف زیادی که در مورد کارآفرینی وجود دارد می توان

بطور خلاصه تعریف کارآفرینی را در شکل (۱) نشان داد.

شکل (۱) - تعریف کارآفرینی



منبع: میرمیران، ۱۳۸۵

### روند و جایگاه کارآفرینی در جهان

در حالی وارد قرن بیست و یکم شده ایم که اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با نیروی حیات آفرین کارآفرینی از نو زنده شده است. شایان ذکر می باشد کارآفرینی همان نیرویی است که اول باره، خود موتور محرک اقتصاد این کشورها بوده و امروز نیز با چهره ای نو، در میان رکود جهانی اقتصاد، جان تازه ای در آنها می دمدم (مقدسی، ۱۳۸۸). بدون شک امروزه جهان بر مبنای نوآوری و افرادی است که عهده دار آن اند؛ به عبارت دیگر جوهره نخستین جوامع و سازمان ها به خلاقیت و کارآفرینی متکی است (Boroomandalipoor&Ganji Jameshiran, 2012). و کارآفرینی موتور محرک توسعه اقتصادی، پیشرفت، خلاقیت و بهسازی جامعه است (Aghajani et al, 2011). از این رو پارادایم کارآفرینی در حال گسترش روزافزون است و ترویج و اشاعه مفهوم کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب جهت بنا و استقرار چنین فرهنگی از اهم اولویت های توسعه پایدار کشور است و اکثر کشورهای توسعه یافته در حال گذار از حالت بوروکراتیک به وضعیت کارآفرینی هستند و بهبود و توسعه مدیریت های خلاق و خطرپذیر و کارآفرین از مهم ترین ارکان توسعه و از محورهای استراتژیک در تمام دنیا محسوب می شود (میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۸۷). چنانکه کارآفرینی را موتور خوانده اند که اقتصاد کشور ها را به جلو می راند به طوری که برتری اقتصادی کشور هایی چون چین و آمریکا مدیون آن است. برای مثال ۳۷ درصد از مردم آمریکا علاوه بر شغل های رسمی و منظمی که دارند، به نحوی درگیر کسب و کار خود هستند. اهمیت واقعی کارآفرینی از آنجا آشکار می شود که تعداد دانشگاه هایی که کارآفرینی را آموزش می دهند از یک دانشگاه (هاروارد) در سال ۱۹۴۷ به دو دانشگاه (هاروارد و نیویورک) در سال ۱۹۵۳، چند دانشگاه در سال ۱۹۷۰، بیش از ۴۰۰ دانشگاه در سال ۱۹۹۵، بیش از ۸۰۰ دانشگاه در سال ۱۹۹۹ و بیش از ۱۶۰۰ دانشگاه و دانشکده در سال ۲۰۰۲ رسیده و در بیش از ۴۰ مجله علمی به زبان انگلیسی راجع به کارآفرینی مطلب چاپ می شود و شمار زیادی از دانشگاه های دنیا هر ساله بودجه زیادی را برای برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی اختصاص می دهند. لازم به ذکر است که توجه صرف به کارآفرینی و کارآفرینان باعث کاهش بیکاری و افزایش خود اشتغالی نمی شود بلکه آموزش صحیح کارآفرینی است که می تواند باعث رشد اقتصادی شود. بنابراین تنها از طریق آموزش و پرورش میلیونها کارآفرین است که می توان میلیونها شغل ایجاد کرد. دنیای پیرامون انسان ها روز به روز در حال متحول شدن است (افروز و همکاران، ۱۳۸۶). از این رو امروزه کارآفرینی و رفتار کارآفرینانه توجه جمع کثیری را در سراسر جهان به خود جلب نموده است. مراکز آموزش عالی نیز با توجه به اهمیت توسعه رفتار کار آفرینانه در میان دانشجویان و دانش آموختگان، بر شناخت

راهکارها و عوامل موثر همت گمارده اند (رجبی و همکاران، ۱۳۸۷).

### اشتغال

اشتغال از دیدگاه کلان اقتصادی از جنبه های مختلف ی همچون درآمد زایی، تولید و کارآفرینی، توسعه دانش و فناوری و غیره اهمیت دارد و از دیدگاه اجتماعی نیز به انسان منزلت، جایگاه و موقعیت اجتماعی و حس اعتماد به نفس می بخشد (پاسبان، ۱۳۸۵). توافق عمومی وجود دارد مبنی بر اینکه قابلیت استخدام پذیری (اشتغال) به گستره وسیعی از صفات و قابلیت هایی که جستجوگران کار را قادر به به دست آوردن و نگهداری شغل بنماید، بستگی دارد از جمله: مهارتهای ارتباطی، مهارتهای منطقی، تحلیلی و حل مسأله، شخصیت، اطمینان و کمال، انعطاف پذیری و سازگاری، خلاقیت و نوآوری و روحیه تیمی (cheng tan (and French Arnold, 2012). مسئله اشتغال در کلیه ممالک جهان به ویژه کشورهای جهان سوم، از جمله مسائلی است که بی توجهی به آن تأثیرات نامطلوب در بافت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهد گذاشت. به عبارتی، بیکاری پدیده ای است که به دنبال خویش پیامدهای منفی فراوانی را به دنبال دارد و سرمنشأ بسیاری از معضلات اجتماعی می باشد. این امر سیاستگذاران را ناگزیر به ارائه برنامه های منطقی و عقلانی کرده است تا ضمن ایجاد فرصتهای شغلی و درآمد اقتصادی برای افراد، از بروز بسیاری از معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی جلوگیری نمایند. در ایران نیز یکی از دغدغه های اساسی برنامه های توسعه، تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان یکی از اهداف مهم این برنامه ها نیز مد نظر بوده است (اورنگی و همکاران، ۱۳۸۹).

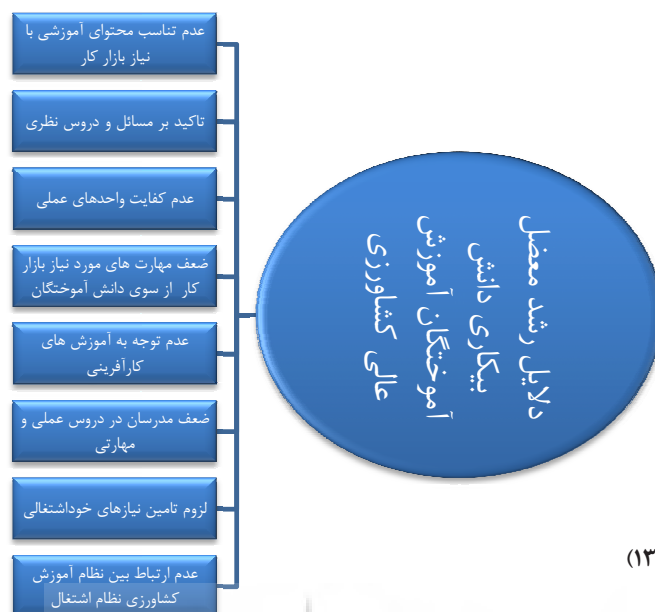
### وضعیت اشتغال در بخش کشاورزی

بخش کشاورزی یکی از بخش های اصلی فعالیت های اقتصادی کشور است که با وجود مزیت های نسبی اقتصادی چشمگیر، از حیث توسعه اشتغال، معمولاً بخشی فروکاهنده و دارای محدودیت ارزیابی می شود (جلایی اسفندآبادی و جاودان، ۱۳۸۹). در رابطه با ساختار بیکاری و اشتغال، رویارویی با پدیده کمبود یا نبود فرصت های شغلی، یا اشتغال نامناسب دانش آموختگان دانشگاهی را می توان تا حدودی مسأله ای نو به شمار آورد که به ویژه در دهه گذشته در ایران بروز کرده است و هر سال حادث می شود. زیرا در ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی در سال های اخیر از لحاظ کمی رشد قابل توجهی داشته است. به عنوان مثال، در طول دهه ۷۵-۱۳۶۵ تعداد کل دانش آموختگان دانشگاهی از ۵۸۸۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است. آمار دانشجویان کشاورزی هم در سال های اخیر رشد قابل توجهی داشته است و همه ساله از

مراکز آموزش عالی کشاورزی ایران، تعداد زیادی متخصص کشاورزی فارغ التحصیل می شوند (تبرایی و قاسمی، ۱۳۸۵). از طرف دیگر با وجود عرضه زیاد فارغ التحصیلان و تقاضای اندک اشتغال در بخش کشاورزی باز هم هر سال تعداد زیادی از جوانان کشور پس از طی کنکور سراسری، آماده ادامه تحصیل در دانشگاه ها می شوند و بدین ترتیب هر سال بر این معضل مهم و این مشکل پیچیده می افزایند و شگفت آورتر این که هر سال تعداد داوطلبان دختر در رشته های کشاورزی در کنکور افزایش می یابد و لذا هر سال بر ابعاد معضل مذکور افزوده می شود (خسروی پور و سلیمان پور، ۱۳۸۹). همچنین جمعیت جوان و فعال ایران تا سال ۱۴۰۰ به ۶۱ میلیون نفر می رسد و به عبارتی ۲/۵ درصد رشد خواهد داشت، پس سطح اشتغال نیز باید رشدی معادل ۲/۵ درصد در سال داشته باشد تا وضعیت فعلی حفظ شود، یعنی تا سال ۱۴۰۰ در ایران باید ۲۹ میلیون فرصت شغلی ایجاد شود (زمانی و عزیزی خالخیلی، ۱۳۸۵). با وجودی که هم اکنون در کل کشور بیش از ۲۴۰ هزار دانش آموخته کشاورزی و منابع طبیعی عضو سازمان نظام مهندسی کشاورزی وجود دارد. بر اساس آمار رسمی سازمان حدوداً تعداد ۵۷ هزار نفر از دانش آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی جویای کار هستند. اغلب فارغ التحصیلان کشاورزی خود را برای استخدام در موسسات دولتی و خصوصی و کار در مناطق شهری آماده می کنند و از سوی دیگر کسانی وارد دانشکده های کشاورزی می شوند که اغلب ساکن شهرها بوده و هیچ ارتباطی با کشاورزی نداشته اند و تنها برای گرفتن مدرک دانشگاهی و بدون انگیزه کافی اقدام به انتخاب رشته های کشاورزی می کنند. واضح است که دولت به دلیل سیاستهای مبنی بر کاهش تصدی گری ها و واگذاری امور به بخش غیردولتی و همچنین محدودیت در امکانات، نمی تواند برای تمامی فارغ التحصیلان کشاورزی شغل ایجاد نماید. بنابراین کارآفرینی یکی از بهترین راههای استفاده از این نیروهای تحصیل کرده است تا با تکیه بر مهارت های آموزشی خود به ایجاد کسب و کار بپردازند (جمشیدی فر و همکاران، ۱۳۸۹). چنان چه نظام آموزشی در هر جامعه وظایف ویژه ای به عهده دارد که از جمله می توان آزادسازی و رهایی افراد جامعه از ناتوانی، آموزش و هدایت آنان به بازار کار را مورد نظر قرار داد (مشایخ، ۱۳۸۶). بنابراین دانشگاهها ملزمند برای ترقی و ترویج آموزش کارآفرینی بیندیشند، چون نسل جوان نیاز دارد که بداند چطور در برابر محیطهای نا امن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار بطور انعطاف پذیر عمل کند. ساختار نظام آموزشی باید طوری تنظیم گردد که فارغ التحصیلان بتوانند در آینده بصورت کارآفرین در جامعه فعالیت کنند (نوروز زاده و رضایی، ۱۳۸۹).

عمده ترین دلایل رشد معضل بیکاری در بین دانش آموختگان رشته کشاورزی را می توان در شکل (۲) نشان داد:

## شکل (۲) دلایل رشد معضل بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی کشاورزی



منبع: (خسروی پور، ۱۳۸۷)

اهمیت آموزش کارآفرینی در دانشگاه ها به خصوص دانشگاه های کشاورزی به دلیل خیل فراوان دانشجویانی که هر سال در رشته های کشاورزی مشغول به تحصیل می شوند و از سوی دیگر لزوم توانمندسازی دانشجویان در راستای اشتغال بعد از فراغت از تحصیل راهکار ارسالی می تواند حرکت آموزش عالی کشاورزی به سوی کارآفرینی و آموزش های کارآفرینانه باشد.

### تاریخچه و مفهوم آموزش کارآفرینی

سابقه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشورهای در حال توسعه به اوایل ۱۹۹۰ بر می گردد. از آن به بعد دلایل مختلفی نظیر افزایش نرخ بیکاری، مشاهده تاثیر برنامه های کارآفرینی و آموزش آن در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، سبب شد تا کارآفرینی بیشتر مورد توجه قرار گیرد (پوراتشی، ۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی یک رشته جدید در دانشگاه هاست اما به سرعت در حال بازشناسی است؛ و می تواند فرهنگ کارآفرینانه را بین یادگیرندگان توزیع کند. به عقیده دانشمندان و پژوهشگران احتمال قوی وجود دارد که مهارت کارآفرینانه از طریق آموزش افزایش یابد. بنابراین در سال های اخیر تلاشهای دانشگاهی قابل توجهی بر آموزش کارآفرینی متمرکز شده است تا کمک کند رشته (کارآفرینی) توسعه یافته و شتاب گیرد. در حال حاضر کارآفرینی در بیش از ۱۵۰۰ کالج و دانشگاه در سراسر دنیا تدریس می شود (NIYONKURU, 2005). همچنین یکی از ابزارهای عمده توسعه کارآفرینی و به تبع آن ایجاد اشتغال، آموزش به ویژه در سطح تحصیلات عالی می باشد (تاج آبادی و همکاران، ۱۳۸۷). به طور کلی تحقیقات نشان می دهد که کارآفرینی امری آموزش پذیر، تقویت پذیر و پرورش پذیر است. نخستین کشورهایی که در زمینه آموزش های کارآفرینی اقداماتی انجام داده اند کشور های آلمان، انگلیس، آمریکا و ژاپن بودند. آموزش کارآفرینی از تجربیات گوناگونی تشکیل یافته است که دورنمایی به افراد می دهد تا از فرصت هایی که وجود دارد، استفاده کنند. با توجه به دلایلی که در زمینه اهمیت کارآفرینی وجود دارد، ضروری است که برنامه ریزان و کارگزاران دولتی با حمایت همه جانبه از فرآیند کارآفرینی و برنامه ریزی جامع، زمینه رشد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را فراهم کنند (فیض و صفایی، ۱۳۸۸).

### برنامه های آموزش کارآفرینی در جهان

به این دلیل هدف بسیاری از دانشگاه های معتبر جهان مانند دانشگاه هاروارد، MIT، دانشگاه کلمبیا و دانشگاه ملی سنگاپور، پرورش دانشجویان کارآفرین از طریق برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی و انجام پژوهش در این زمینه است. در این راستا آموزش کارآفرینی از داغ ترین موضوع های علمی در دانشکده های کسب و کار و مهندسی شده است. برای مثال تعداد دانشکده هایی که در ایالات متحده به آموزش کارآفرینی می پردازند در طی ۲۰ سال گذشته از ۱۲ دانشکده به ۱۶۰۰ دانشکده افزایش یافته است (زالی و همکاران، ۱۳۸۶). و همچنین به دلیل اهمیت و نقش کارآفرینی و کارآفرینان در روند رشد و توسعه



کشور ها طی دو دهه گذشته، دانشگاه های کشورهای در حال توسعه و پیشرفته با توجه به نیازها و امکانات خود، برنامه های آموزشی و پژوهشی ویژه متنوعی را برای آموزش و تربیت کارآفرینان به اجرا گذاشته اند. به عبارت دیگر همچنان که اقتصاد کشور ها قوانین و مقررات و نیاز های بازار کار تغییر و تحول پیدا می کند، نظام های آموزش عالی نیز تلاش می نمایند تا تغییراتی در برنامه های خود ایجاد کنند و با توسعه اقتصادی و بازار کار هماهنگ شوند (سلجوقی، ۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی سیاستی است که به طور مستقیم در کمیت و کیفیت عرضه کارآفرین در یک جامعه اثر می گذارد. به همین دلیل است که در بسیاری کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته حتی الامکان موانع و مشکلات برطرف شده اند، دولتها به شکوفا کردن توان بالقوه مردم پرداخته اند و آموزش به تولید کنندگان کوچک بسیار اهمیت یافته است. با اجرای این سیاست همواره می توان به اهداف گوناگون مانند شناخت فرصت ها و چگونگی بهره برداری از آن ها، آشنایی با تکنولوژی و دانش فنی جدید و چگونگی به کارگیری آنها، روشهای جدید علمی مدیریتی و بازرگانی جامعه عمل پوشانید. آموزش می تواند بلند مدت (مانند آموزش از دوره دبیرستان به بعد) و یا کوتاه مدت (مانند سخنرانی های ادواری) باشد. در جدول ذیل فعالیت های آموزشی و ترویجی در زمینه کارآفرینی در برخی از دانشگاه های مطرح دنیا درج گردیده است:

نام دانشگاه	فعالیت های صورت گرفته
دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (دانشکده تجاری مارشال)	تأکید بر امکانات تجاری و استفاده از فرصت هایی برای پیوند فن آوری و تجارت در کسب و کارها و جامعه تجاری لوس آنجلس.
دانشگاه دوپل (دانشکده تجاری جوت گلشتاد)	فعالیت و طراحی دوره کارآفرینی درباره مشکلات چرخه حیات شرکت های رشد گرا.
دانشگاه پنسیلوانیا (دانشکده وارتن)	یکی از اولین مؤسسات پژوهش ملی در زمینه کارآفرینی که بیش از ۱۰۰۰۰۰ ساعت مشاوره ارائه داده است.
دانشگاه UCLA (دانشکده اندرسون)	بیش از ۱۰ رشته قابل انتخاب در زمینه کارآفرینی و ۲۰ فعالیت کارآفرینی ارائه داده می دهد.
دانشگاه سنت لوئیس (دانشکده تجارت)	کلاس های فشرده و منعطف برای تقویت تعامل های کارآفرینی قوی میان دانشجویان دوره های شامل توسعه طرح های تجاری و تجارت های خانوادگی می شود.
دانشگاه لوئیزول (دانشکده تجارت و مدیریت)	فعالیت گسترده در راه اندازی شرکت های تجاری و کارآفرینی داخلی
دانشگاه تکراس در اوستین (دانشکده تجاری تکراس)	برنامه ریزی دوره های کارآفرینی به عنوان بخش کاملی از هسته مرکزی MBA
دانشگاه مریلند (دانشکده تجاری رابرت اسمیت)	اجرای دوره هایی که بر سرمایه گذاری روی پروژه های اقتصادی، فن آوری و مدیریت شبکه های اعطای وام امدادی تأکید دارد.
دانشگاه کلمبیا (دانشکده تجاری کلمبیا)	اجرای دوره هایی در زمینه ارزیابی فرصت های تجاری، مدیریت پروژه های اقتصاد جدید، کارآفرینی داخلی و مدیریت تغییرات ارائه می دهد.
دانشگاه هاروارد (دانشکده تجاری هاروارد)	اجرای دوره هایی در زمینه پژوهش های میدانی و آموزش برای امور کارآفرینی

دانشگاه بریگهام یانگ (دانشکده مدیریت ماریوت)	اجرای دوره هایی در زمینه راه اندازی و رشد یک تجارت، بازاریابی، سرمایه گذاری در کسب و کار با یک روش ارشادی جدید
دانشگاه کالیفرنیا در بروکلی (دانشکده تجاری والتر ای، هاس)	یک برنامه پژوهشی قوی ترتیب داده است که به دانشجویان فرصت می دهد تا با همتابان خود در کالج مهندسی کارآفرینی دانشگاه کار کنند.
دانشگاه واشینگتن (دانشکده تجارت)	برنامه کارآفرینی به گونه ای تدوین شده است که رشته های گوناگون از قبیل مهندسی، حقوق و علوم را به یکدیگر پیوند می دهد.
دانشگاه ایالتی سن دیه گو (دانشکده مدیریت تجارت)	اجرای دوره های کارشناسی ارشد در زمینه کارآفرینی با دوره های تخصصی در زمینه انتقال فن آوری و مدیریت توسعه.

(ماهوشی، ۱۳۸۷).

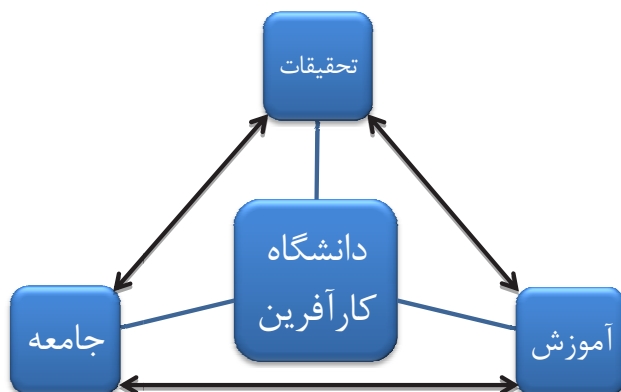
### ضرورت آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی مقوله مهمی است که کشور های پیشرفته در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی توجه جدی نموده اند و پرورش کارآفرینان را در اولویت برنامه های توسعه خود قرار داده اند که با سیاست گذاری و پشتیبانی اجرایی دولت ها شامل فرهنگ سازی و ترویج روحیه کارآفرینی، اصلاحات ساختاری و نهادسازی، ایجاد مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی و کمک به راه اندازی و اداره پرورشگاه کسب و کار کوچک، آموزش کارآفرینی از طریق مدارس، دانشگاه ها و آموزش های از راه دور، مشاوره های مالی- فنی مدیریتی و اطلاع رسانی دولتی بوده است (واصف و همکاران، ۱۳۸۷). از طرفی در شرایط کنونی ایجاد فرصت های شغلی برای انبوه بیکاران کشور به ویژه فارغ التحصیلان بیکار، اصلی ترین و مهم ترین دغدغه سیاست گذاران و تصمیم گیران کلان کشور است. تجربه های موجود در زمینه ایجاد اشتغال بیانگر این واقعیت است که تنها با تکیه بر سرمایه گذاری ها و حمایت دولت نمی توان از پس بیکاری برآمد. با ارائه تعریف نو از مقوله کار و اشتغال و گذر از کارجویی و کاریابی به کارآفرینی و نیز اشاعه آن از طریق آموزش هدفمند می توانیم شاهد تحولات ساختاری در زمینه ایجاد اشتغال باشیم (بدالهی فارسی و میرعرب رضی، ۱۳۸۸). همچنین یکی از چالش های پیش روی جوامع مختلف، دانش آموختگانی هستند که توانایی های فردی و مهارت های لازم برای راه اندازی کسب و کار مناسب ندارند. این امر، آماده سازی فارغ التحصیلان دانشگاهی را از طریق توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان ضروری می سازد. آن چه مسلم است، آماده سازی در خصوص کارآفرینی نباید بعد از فارغ التحصیلی باشد؛ بلکه برای تحقق این امر لازم است طی فرآیندی و در حین تحصیل مقدمات لازم فراهم و موانع و محدودیت ها برطرف شود (امیری و مرادی، ۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی می تواند علاوه بر ایجاد دانش و مهارت، موجب بالا رفتن آمادگی، انگیزه، اعتماد به نفس، نیاز به پیشرفت، ریسک پذیری، فرصت شناسی، قدرت تحمل ابهام، قدرت مدیریت و رهبری، تجزیه و تحلیل دقیق مسائل و قدرت نوآوری در دانشجویان می شود. پرورش افراد کارآفرین از وظایف دانشگاه ها تلقی می شود که از طریق ایجاد انگیزه و افزایش صلاحیت ها و توانایی های فارغ التحصیلان امکان پذیر می باشد (خالدی و آگهی، ۱۳۸۷). و آموزش کارآفرینی می تواند یکی از مؤثرترین شیوه ها برای تسهیل انتقال جمعیت فارغ التحصیلان به بازار کار باشد. مطالعات در اروپا نشان داده است که چنین آموزش هایی توانسته است افراد را مسئولیت پذیرتر به بار آورد و آنها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه کارآفرینی کند و به طور موفقیت آمیزی در چالشهای کسب و کار، موفق و خطر پذیر کند. در نتیجه نرخ بیکاری و شکست کسب و کارها کمتر شده است (سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۱۳۸۷). در این زمینه دانشگاه می تواند قابلیت های کارآفرینی شامل دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی را در دانش آموختگان ایجاد کند و دانش آموختگان به عنوان عاملان تغییراجتماعی، این قابلیت ها را در جامعه ترویج دهند (مکی آل آقا، ۱۳۸۶). هدف از آموزش کارآفرینی این است که دانشجویان افرادی خلاق شوند و مهارت های لازم مانند مهارت مدیریت بازاریابی را کسب کنند (رضایی و رهسپار، ۱۳۸۸) و این امکان ندارد مگر آن که مراکز آموزش عالی کشاورزی به سمت دانشگاهی کارآفرین حرکت کنند. دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که دو وظیفه مهم دارد:

اول آن که باید کارآفرینان آینده را آموزش دهد. افرادی که بتوانند کسب و کار جدیدی را ایجاد کنند و همچنین روحیه کارآفرینانه را در دانشجویان در تمام حوزه ها توسعه دهد. دوم اینکه باید خودش کارآفرینانه عمل کند. مراکز رشد کسب و

کار را سازماندهی کند. پارک های علم و فناوری را ایجاد و دانشجویان را در این سازمان ها درگیر و با اینکار دانش آموختگانی توانمند و ماهر تحویل جامعه دهد. (Schulte, 2004).  
 دانشگاه کارآفرین باید مأموریت خود را براساس ارتباط سه مولفه طبق شکل (۳) تعریف کند:

شکل (۳) - مأموریت دانشگاه کارآفرین - منبع: (Assuman, ۱۹۹۸)



همان طور که در شکل مشخص است در یک دانشگاه کارآفرین آموزش باید براساس تحقیقات باشد و تحقیقات باید براساس نیازهای جامعه شکل بگیرد.

### امنیت شغلی در عصر حاضر

این در حالی است که اگر تصور ما از امنیت شغلی داشتن یک شغل تضمین شده برای تمامی دوره عمر کاری باشد، باید گفت که با تغییرات عمده ای که در ساختار اقتصاد و به تبع آن در ساختار مشاغل رخ داده است این تصور دور از واقعیت است. در عصر کنونی امنیت شغلی چیزی نیست که کارفرما بخواهد وجود و تداوم آن را برای کارگر تضمین کند. به اعتقاد استفان کاوی «امنیت ناشی از شغل یا حمایت و پشتیبانی سایر اشخاص نیست؛ بلکه ناشی از توانایی فرد در برآورده ساختن نیازها و حل مشکلات است». بر همین اساس گفته می شود که ایده امنیت شغلی به قابلیت استخدام پذیری تغییر کرده است. داشتن نگاه حرفه ای به شغل و همچنین ارتقاء قدرت تخصص و توان حل مساله می تواند تضمین کننده امنیت شغلی فرد باشد. جدول زیر به طور خلاصه دامنه تغییرات و پارادایم های قدیم و جدید حاکم بر دنیای کسب و کار به ویژه زندگی شغلی و حرفه ای را بیان می کنند:

پارادایم های قدیمی	پارادایم های جدید
امنیت شغلی	امنیت استخدام پذیری
مسیرهای شغلی طولی	مسیرهای شغلی جایگزین
تناسب شخص و شغل	تناسب شخص و سازمان
وفاداری سازمانی	وفاداری شغلی / وظیفه ای
موفقیت حرفه ای	توازن کار - زندگی
درجه دانشگاهی	یادگیری مجدد مستمر
جایگاه / عنوان	شایستگی / رشد



قرارداد استخدامی	استخدام تمام وقت
مشاغل هفتگی	بازنشستگی
مشاغل و حرفه های چندگانه	تک شغله بودن
تغییرات شغلی مبتنی بر رشد	تغییرات شغلی مبتنی بر ترس
ارتقاء بر مبنای عملکرد	ارتقاء بر مبنای ارشدیت

(عیسی خانی، ۱۳۹۱).

### مدل مفهومی تواناسازی دانشجویان در عرصه کسب و کار

اگرچه این مدل مراحل آزمایشی و اولیه خود را می گذراند و نیاز به مطالعات میدانی وسیع دارد، با توجه به تحقیقات قبلی و زمینه های مرتبط و عدم پاسخ گویی تجارب گذشته در تامین نیازهای جامعه از دانش آموختگان و همچنین پایین بودن سطح خوداشتغالی و فعالیت های کارآفرینانه دانش آموختگان، اما دارای پایه و اساس مستحکم و پشتیبانی علمی و تجربی لازم است. (احمدپور داریانی، ۱۳۸۲).

مدل مذکور دربرگیرنده تعامل بین سه دسته از عوامل موثر در تواناسازی دانشجویان به منظور اقدام به فعالیت کارآفرینانه می باشد. دسته اول: تخصص و دانش، دسته دوم: مهارت های فردی و دسته سوم: توانایی کارآفرینانه است که تعامل این دسته می تواند متضمن موفقیت فرد دانش آموخته از بعد کارآفرینی پس از فراغت از تحصیل باشد.

### شکل (۴) - مدل مفهومی تواناسازی دانشجویان در عرصه کسب و کار آینده، احمدپور داریانی (۱۳۸۲)

مسیر ۱	مسیر ۲	مسیر ۳
Knowledge	Business Skill	Entrepreneurial Abilities
دانش و تخصص	مهارت کسب و کار	توانایی کارآفرینانه
تخصص رشته ای آموزش جاری دانشگاه ها	زبان اینترنت خرید فروش مالی، اقتصاد مدیریت تاسیس شرکت	ایده یابی نوآوری خلاقیت فرصت یابی رشد تجدید حیات
وضعیت فعلی که دانشگاه ها مبادرت به تدریس می نمایند.		
وضعیت موجود		دو مسیر با استراتژی جدید

## چالش‌های مراکز آموزش عالی کارآفرین در بخش کشاورزی

چنانچه به زعم والز و باودن (Wals & Bawdon, 2001) ماهیت بین رشته‌ای کشاورزی و زمینه خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن می‌تواند دانش آموختگان کشاورزی، دارای قابلیت‌ها و کیفیت‌های پویایی باشند تا بتوانند مقتدرانه و داوطلبانه نسبت به مسائل مختلف انتقاد کنند، اندیشه کنند و عمل نمایند. مؤسسات آموزش کشاورزی باید شایستگی‌هایی را در دانش آموختگان خود بارور کنند تا آنها قادر باشند با عدم قطعیت، موقعیت‌های پیچیده و نامعین و هنجارها، ارزش‌ها و علائق متضاد یا حداقل متنوع و گوناگون برخورد شایسته نمایند (شهبازی و علی بیگی، ۱۳۸۵). اما متأسفانه یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که نظام متداول آموزش کشاورزی کشور ضمن ارائه آموزشهای نظری و نپرداختن مطلوب به آموزشهای عملی نتوانسته است فارغ‌التحصیلان کارآمد و مورد نیاز بازار کار تربیت کند. در نتیجه بازار کار کشاورزی هم نتوانسته از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری نموده و به حرکت رو به تخصصی شدن ادامه دهد. مهمترین مشکلات نظام متداول آموزش عالی کشاورزی؛ عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط بین دانشگاه و عرصه عملی کشاورزی، توجه بیش از حد به مدرک، عدم ارتباط بین واحدهای تحقیقاتی بخش کشاورزی و دانشگاه، ورود سخت به دانشگاه و خروج آسان از آن، شناسایی شده است. برخی معتقدند که نظام آموزش عالی ایران بجای کارآفرین پرور بودن، کارجوپرور است و با هزینه زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط شکاف‌های شغلی تعریف شده نظام سنتی اداری را پرکنند دلیل آن نیز عدم توجه به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی است بر همین اساس بررسی‌ها مؤید آن است که دانش آموختگان دانشگاههای ایران فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب و جایابی مناسب و حرفه‌ای (متناسب با تخصص دانشگاهی) در بازار کار می‌باشند (حاجی میررحیمی و مخبر، ۱۳۸۸). بسیاری از صاحب‌نظرها علت بیکاری تحصیلکرده‌های بخش کشاورزی را نبود شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار ذکر می‌کنند و راه حل کاهش بیکاری را آموزش بهینه و کاربردی می‌دانند؛ بنابراین یکی از عوامل مهم موثر بر بیکاری دانش‌آموخته‌ها، برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های کشاورزی از جمله سرفصل‌ها، محتوای دروس، تجارب یادگیری و غیره می‌باشد. متأسفانه این عامل نتوانسته به طور شایسته‌ای مهارت‌های لازم را به فراگیران منتقل کند. بنابراین لزوم بازنگری در برنامه‌های آموزشی مؤسسات آموزش عالی اجتناب‌ناپذیر است. نظام‌های آموزش کشاورزی اینک بیش از هر زمان دیگری باید برنامه‌های درسی خود را با نیازهای محلی و فرصت‌های استخدامی سازگار و منطبق نموده و در پی تأمین نیازمندی‌های بخش خصوصی و خوداشتغالی باشند. (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر این مشکلات و به ویژه عدم تناسب آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار در ایران و اعتقاد بر این که خوداشتغالی از طریق کسب و کار یکی از راه‌های بسیار مهم می‌باشد، موضوع کارآفرینی از طریق آموزش مهارت‌های لازم را مورد توجه قرار داده است. آموزش کارآفرینی می‌تواند نقش مهمی در تغییر دیدگاه‌های دانشجویان در جهت خوداشتغالی ایفا نماید. به نحوی که براساس این آموزش‌ها آنها بتوانند در جهت راه‌اندازی یک کسب و کار برای اشتغال در بازار کار آماده شوند بنابراین یکی از چالش‌های عمده آموزش عالی کشاورزی این است که چه تحولاتی در سیستم آموزش عالی کشاورزی باید صورت پذیرد تا فارغ‌التحصیلان آن قادر باشند یک واحد کسب و کار جدید و کارآفرینانه را راه‌اندازی و به صورت بهینه مدیریت نمایند (حجازی و میرشکاری، ۱۳۸۷). صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که در شرایط کنونی اصلی‌ترین منبع برای تأمین اشتغال پایدار و رفع واقعی بیکاری تربیت نیروی انسانی خلاق و مستعد است که با ترسیم دورنمای جدیدی از زندگی، ترکیب نوینی از منابع محدود را در اختیار بگیرد؛ چنین منبعی را در فرهنگ علوم، کارآفرینی می‌نامند. کارآفرینی می‌تواند از طریق کشف فرصتها و تغییر در محیط و فراهم‌آوری فرصتهای اشتغال کمک کند (ندافی و همکاران، ۱۳۹۱). این در شرایطی است که از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه پایدار کشاورزی یک کشور عامل انسانی است که تقویت آن با آموزش میسر است. بخش آموزش به طور اعم و آموزش عالی به طور اخص، یکی از پایه‌های اصلی توسعه کشاورزی هر کشور محسوب می‌شود (صفا و شعبانعلی فمی، ۱۳۸۷). و فراهم‌آوردن دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار آتی، یکی از مستقیم‌ترین و بدیهی‌ترین راه‌هایی است که آموزش عالی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. از طرف دیگر فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای نیروهای انسانی ماهر و کارآموده جهت ورود به بازار کار از مهم‌ترین اقدامات و پیش‌بینی‌هایی است که دولت مردان و برنامه‌ریزان کشورها می‌بایست جهت پیشبرد برنامه‌های توسعه خود اعمال نمایند کشوری که نتواند مهارت و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نفع‌مؤثری بهره‌برداری کند، قادر به توسعه بخشیدن نیست (اکبری و همکاران، ۱۳۸۸). و مراکز آموزش عالی نقش مهمی را در پرورش ظرفیت کارآفرینانه سطح بالا بازی می‌کند. و آن ایجاد مهارت‌ها، انگیزه‌ها و محیط فرهنگی مناسب برای تهیه ابزار رشد اقتصادی است. مهارت‌های کارآفرینانه به عنوان مهم‌ترین عامل در آماده‌سازی دانشجویان کشاورزی برای ورود به بازار کار شناسایی شده است (Movahedi & Fathi, 2011).

## نتیجه گیری

امروزه بیکاری در بسیاری از کشورها، حتی کشورهای پیشرفته صنعتی، به عنوان یک مشکل اساسی مطرح می باشد. از آنجایی که این مسأله در کشور ما به شکلی حادثر با توجه به بافت جوان جمعیتی مطرح است این موضوع و اندیشیدن راه کار مؤثر برای حل آن قابل تأمل است. این در حالی است که قشر فارغ التحصیل که به عنوان امید و آینده ساز مملکت می باشند، خود وضعیتی مبهم و ناخوشایند دارند. بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی کشور، از بالاترین نرخ های بیکاری فارغ التحصیلان بخش آموزش عالی برخوردار است. از آنجایی که نیروی انسانی یکی از اساسی ترین عوامل توسعه پایدار کشاورزی کشور محسوب می شود، پرورش آن در قالب آموزش عالی و افزودن دانش و مهارت های وی به صورت کاربردی به صورت مستقیم به توسعه اقتصادی کشور کمک می نماید و تقویت این سرمایه (نیروی انسانی) از طریق دوره های آموزشی کارآفرینانه طی تحصیلات دانشگاهی باعث افزایش توان حل مسأله، اعتماد به نفس، ریسک پذیری، فرصت شناسی، تحمل ابهام و توان مدیریت و تجزیه تحلیل او شده و یکی از مؤثر ترین راه ها برای انتقال جمعیت فراوان دانشجویان و فارغ التحصیلان به بازار کار می باشد. به این ترتیب دانشگاه ها به عنوان پایگاه آموزش عالی و وظیفه های حیاتی برای ترویج فرهنگ کارآفرینانه از طریق دوره های آموزشی کارآفرینی در محیط دانشگاه داشته و می تواند قابلیت های کارآفرینی شامل دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی را در دانش آموختگان ایجاد کند و دانش آموختگان به عنوان عاملان تغییر اجتماعی، این قابلیت ها را در جامعه ترویج دهند. آموزش عالی کشاورزی اینک بیش از هر زمان دیگری باید برنامه های درسی خود را با نیازهای جامعه و بازار کار سازگار و منطبق نموده و در پی تأمین نیازمندی های بخش خصوصی و خوداشتغالی باشند و در راستای ایجاد دانشگاهی کارآفرین و گسترش تفکر کارآفرینی و مدیریت کسب و کار و خود اشتغالی برنامه ریزی و حرکت کند.

## پیشنهادها

- با توجه به لزوم تحول در برنامه های آموزشی در جهت تأمین نیازهای بازار کار و با هدف افزایش اشتغال پذیری دانشجویان، این موارد پیشنهاد می گردد:
- تنظیم برنامه های آموزشی دانشگاهی از جمله سرفصل ها، محتوای دروس، تجارب یادگیری در جهت هر چه کاربردی تر آنها. (تاکید بیشتر بر مطالب و آموزش کاربردی و عملیاتی).
  - اصلاح برنامه های درسی دانشگاهی در جهت تطبیق سرفصل های دروس رشته های کشاورزی با نیاز بازار کار.
  - تلفیق سرفصل دروس رشته های کشاورزی با مبانی کارآفرینی.
  - برگزاری دوره های کارآفرینی خاص برای دانشجویان رشته های کشاورزی (مبانی، خلاقیت، ایده یابی و...).
  - برگزاری کارگاه آموزشی مبانی و اصول کارآفرینی برای استادان رشته های کشاورزی.
  - برقراری ارتباط هر چه بیشتر بین مراکز آموزش عالی کشاورزی و دستگاه های اجرایی مرتبط.
  - ایجاد مرکز کارآفرینی یا دفتر مشاوره شغلی دانشجویی در دانشگاه.
  - راه اندازی مراکز رشد و پارک های علم و فناوری در مراکز آموزش عالی در راستای ایجاد تشکل های دانشجویان و انجام پروژه های مرتبط با رشته.
  - مهندسی مجدد در آزمون های ورودی و پذیرش دانشجو براساس علاقمندی به رشته کشاورزی، توان، مهارت ها و سوابق آموزشی مرتبط.
  - اختصاص تسهیلات اشتغال زایی برای دانش آموختگان رشته های کشاورزی که خود مشوق دانشجویان و انگیزه آن ها جهت ادامه تحصیل در رشته و کسب توانمندی های لازم خواهد بود.

## منابع

۱. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۲). آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه ها را تغییر می دهد؟، مجله رهیافت، شماره ۲۹، بهار ۸۴.
۲. احمدی، حیدر، امیدی نجف آبادی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت آموزش های دانشگاهی برای ترویج کارآفرینی، مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. پژوهشهای ترویج و آموزش کارآفرینی، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸. صص ۶۳-۷۲.
۳. افروز، غلامعلی، حسینی خواه، علی و خانبانی، مهدی. (۱۳۸۶). فرهنگ آفرینی آموزش کارآفرینی. مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی فرهنگ کار، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی ۱۳۸۷. صص ۱۰۱-۸۷.
۴. اکبری، رویا، موحد، رضا و کوچکیان، حورا. (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه بوعلی همدان). پژوهشهای ترویج و آموزش کشاورزی، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸. صص ۱۰۲-۹۱.
۵. امیری، علی نقی، مرادی، یزدان. (۱۳۸۷). نگرشهای کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹، سال ۱۳۸۷. صص ۶۷-۴۵.
۶. امین بیدختی، علی اکبر، رحیمی جعفری، علی. (۱۳۸۷). بررسی ضرورت و راه های توسعه رشته های دانشگاهی کارآفرینی. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه، شماره ۹۷-۹۶، خرداد و تیر ۱۳۸۷. صص ۲۹-۲۴.
۷. اورنگی، مینا، حسینی نیا، غلامحسین و حیدری، علیقلی. (۱۳۸۹). سنجش سازه های مؤثر بر گرایش دانشآموختگان و دانشجویان سال آخر رشته های کشاورزی به اشتغال در بخش تعاون استان خراسان جنوبی. تعاون، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹. صص ۱۱۲-۱۰۱.
۸. بارانی، شهرزاد، اطهری، زهرا و زرافشان، کیومرث. (۱۳۸۸). بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی کشاورزی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه). فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۸۸. صص ۹۵-۷۳.

۹. بارانی، شهرزاد، زرافشانی، کیومرث و حسن مرادی، نرگس. (۱۳۸۹). تأثیر حمایت‌های کارآفرینانه نظام آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی بر رفتار کارآفرینانه: رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری. نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۹. صص ۲۱-۵.
۱۰. پاسبان، فاطمه. (۱۳۸۵). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳). اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۵. صص ۱۷۶-۱۵۳.
۱۱. پورآشتی، مهتاب. (۱۳۸۷). کارآفرینی، راهکاری در جهت اشتغال دانش آموختگان آموزش های علمی - کاربردی کشاورزی. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۱۸۵-۱۷۷.
۱۲. پورکاظمی، محمدحسین. (۱۳۸۸). وضعیت راهیابی فارغ التحصیلان رشته های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه های دولتی به بازار کار. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، شماره ۵۲، سال ۱۳۸۸. صص ۱۵۰-۱۲۷.
۱۳. تاج آبادی، رضا، مشایخی، کریم و شعبانی، سمیه. (۱۳۸۷). اهمیت و کاربرد آموزش های علمی-کاربردی در کارآفرینی و اشتغال. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۶۵۸.
۱۴. تبرایی، محسن، قاسمی، میترا. (۱۳۸۵). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به اشتغال در مناطق روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۸۳-۱۳۸۲). مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال سیزدهم، شماره دوم، خرداد-تیر ۱۳۸۵.
۱۵. جلایی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید، جاودان، ابراهیم. (۱۳۸۹). تأثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۴، زمستان ۸۹. صص ۱۵۰-۱۳۵.
۱۶. جمشیدی فر، مصطفی، خرمی، شهرزاد و رحلی، حسین. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی تبریز. مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹. صص ۶۴-۵۳.
۱۷. حاجی میررحیمی، سیدداود، مخبر، عبدالله. (۱۳۸۸). آموزش کارآفرینی و توسعه آن در نظام آموزش عالی علمی - کاربردی کشاورزی (دلایل و ضرورت ها). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۸. صص ۸۵-۷۱.
۱۸. حجازی، یوسف، میرشکاری، علی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در بین فارغ التحصیلان کشاورزی (مطالعه موردی: استان بوشهر). مجله کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷. صص ۶۰-۴۹.
۱۹. خاتون آبادی، سیداحمد، انداده، غلامرضا. (۱۳۸۷). ارزیابی میزان موفقیت کارآفرینان روستایی استان اصفهان با استفاده از شاخص AHP و تحلیل عاملی. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۲۴۹-۲۳۶.
۲۰. خالیدی، خوشقدم، آگهی، حسین. (۱۳۸۷). نقش دانشگاه در آموزش کارآفرینی. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۴۸۹-۴۸۰.
۲۱. خسروی پور، بهمن. (۱۳۸۷). واکاوی مولفه های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در نظام آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، رساله دکترا رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران.
۲۲. خسروی پور، بهمن، سلیمان پور، محمدرضا. (۱۳۸۸). راهکارهای آموزشی مؤثر در توسعه اشتغال دانش آموختگان مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خوزستان. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۸. صص ۲۸-۱۹.
۲۳. خسروی پور، بهمن، سلیمان پور، محمدرضا. (۱۳۸۹). تبیین نقش ویژگی های فردی مؤثر بر اشتغال دانش آموختگان دختر آموزش عالی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۸۹. صص ۲۲۰-۲۰۳.
۲۴. رجبی، سمیه، بیگلری، الهام، پاپ زن، عبدالحمید، زرافشانی، کیومرث. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار کارآفرینانه در بین دانشجویان مرکز آموزش علمی - کاربردی جهاد کشاورزی در استان قزوین. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۲۳۴-۲۲۰.
۲۵. رحمانیان کوشکی، مهدی، چیززی، محمد و هواسی، علی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اثرگذار بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد ایلام. فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۱. صص ۱۴۴-۱۲۵.
۲۶. رضوانی، محمدرضا، نجارزاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان). فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷. صص ۱۸۲-۱۶۱.
۲۷. زالی، محمدرضا، مدهوشی، مهرداد و کردنائیچ، اسدالله. (۱۳۸۶). ارزیابی مشخصه های کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران). فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه مدیریت، پاییز ۱۳۸۶. صص ۱۱۳-۸۱.
۲۸. زمانی، غلامحسین، عزیزی خالخیلی، طاهر. (۱۳۸۵). تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش آموختگان کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۲. صص ۸۶-۷۳.

۲۹. سعیدی مهرآباد، محمد، مهتدی، محمدمهدی. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزشهای کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی). فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷. صص ۷۳-۵۷.
۳۰. سلجوقی، محمدجواد. (۱۳۸۷). سنجش میزان کارآفرینی در دانشگاه جامع علمی - کاربردی (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان). مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۵۳۵-۵۳۰.
۳۱. سلیمان پور، محمدرضا، حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌های دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی (مطالعه موردی استان تهران). مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰. صص ۲۶-۱۵.
۳۲. شریفی، امید، اسدی، علی، رضایی، روح الله و عادل، محسن. (۱۳۸۹). کارآفرینی زنان دانشگاهی. پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹. صص ۱۰۶-۷۳.
۳۳. شهیازی، اسماعیل، علی بیگی، امیرحسین. (۱۳۸۵). واکاو شایستگی های دانش آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱، سال ۱۳۸۵. صص ۲۴-۱۵.
۳۴. صادقی شهمیرزادی، سمیه، عدلی، فریبا. (۱۳۸۹). رابطه جو نظام آموزش عالی و پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان. پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره بیست و دوم، بهار ۸۹. صص ۹۱-۷۳.
۳۵. صدابرقویی، ناصر، بیطرف ثانی، مرتضی. (۱۳۸۷). ارزیابی کارآفرینی دانشجویان علمی کاربردی. مجموعه مقالات همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزشهای علمی کاربردی کشاورزی، دی ماه ۱۳۸۷، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی. صص ۵۷-۴۲.
۳۶. صفا، لیلا، شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۸۷). بررسی کیفیت آموزش های عملی کشاورزی از نظر دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. مجله کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷. صص ۱۰۰-۸۷.
۳۷. ظریفیان، شاپور، شریفی، امید و عادل ساردوئی، محسن. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۱۹۶-۱۸۷.
۳۸. علی بیگی، امیرحسین. (۱۳۸۷). تحلیل روحیه کارآفرینی دانشجویان کارشناسی دانشگاه رازی. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۵۰۵-۴۹۱.
۳۹. عیسی خانی، احمد. (۱۳۹۱). مهارت های شغلی: رویکردی برای ارتقاء بهره وری و قابلیت های استخدام پذیری منابع انسانی. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۴۴، خرداد ۱۳۹۱. صص ۱۳-۴.
۴۰. فیض، داود، صفایی، میلاد. (۱۳۸۸). ارزیابی و مقایسه ویژگی های شخصی کارآفرینانه دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه سمنان.
۴۱. کرپاسی، علیرضا، اثنی عشری، هاجر و عاقل، حسن. (۱۳۸۷). پیش بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران. مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۲، شماره ۲، سال ۱۳۸۷. صص ۴۲-۳۱.
۴۲. گرجی، محمدباقر. (۱۳۸۹). واگذاری فعالیتهای دولتی و توسعه بستر کارآفرینی سازمانی در آب و فاضلاب استان گلستان (پژوهشگر)، فصلنامه مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۰، زمستان ۸۹. صص ۱۴۲-۱۲۸.
۴۳. ماهوشی، افشین. (۱۳۸۷). نقش مؤلفه های فرهنگی در آموزش کارآفرینی. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۱۳۲-۱۱۳.
۴۴. مشایخ، پری. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان کازرون. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶. صص ۱۱۳-۱۰۱.
۴۵. مشایخی، کریم، تاج آبادی، رضا و مرادی نژاد، امیر. (۱۳۸۷). میزان انگیزه و خلاقیت در کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی و نقش اساتید در ایجاد انگیزه کارآفرینی در دانشجویان. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۳۰۶-۲۹۳.
۴۶. مقدسی، علیرضا. (۱۳۸۸). امکان سنجی پیاده سازی کارآفرینی سازمانی در شرکت تولیدی صنعتی سها طب. پژوهشگر فصلنامه مدیریت، سال ششم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸. صص ۱۶-۱.
۴۷. مکی آل آقا، بدیع الزمان. (۱۳۸۶). نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶. صص ۱۲۷-۱۱۵.
۴۸. موحدی، رضا، اکبری، رویا، یعقوبی فرانی، احمد و خداوردیان، مجیدرضا. (۱۳۸۹). راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دان شاموختگان رشته های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹. صص ۹۸-۸۵.



۴۹. میرزامحمدی، محمدحسن، پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر. (۱۳۸۷). موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران. دو ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه، شماره ۹۶ و ۹۷، خرداد و تیر ۱۳۸۷. صص ۳۵-۴۷.
۵۰. میرمیران، سید جلیل (۱۳۸۵). کارآفرینی جامع، انتشارات کلمه، چاپ اول، تهران.
۵۱. ندافی، رضیه، فرج اله حسینی، سیدجمال و لشگرآرا، فرهاد. (۱۳۹۱). بررسی نقش آموزش های کوتاه مدت کارآفرینی در اشتغال زایی بخش کشاورزی استان اصفهان. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۴۴، خرداد ۱۳۹۱. صص ۳۰-۴۰.
۵۲. نوروز زاده، رضا، رضایی، ندا. (۱۳۸۹). مشوق ها و بازدارنده های مؤثر در روحیه ی کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان مراکز آموزش عالی علم ی کاربردی کشاورزی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۹. صص ۷۵-۹۰.
۵۳. واصف، عبدالله، امید بارانورزی، سارا. (۱۳۸۷). بررسی جایگاه آموزش و پرورش استان آذربایجان در گرایش دانش آموزان دختر (دختران روستایی و عشایری) به رشته های علمی- کاربردی کشاورزی و توسعه کارآفرینی. مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، زمستان ۱۳۸۷. صص ۴۶۳-۴۷۸.
۵۴. هزارجریبی، جعفر. (۱۳۸۷). توسعه کارآفرینی و دانش آموختگان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۰. صص ۱۷۴-۱۵۹.
۵۵. یدالهی فارسی، جهانگیر، میرعرب رضی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی ارائه برنامه درسی آموزش کارآفرینی در رشته علوم تربیتی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۸۸. صص ۸۰-۶۱.
- 56.-Aghajani Hasanali, Abasgholipour Mohsen & Gholami Ramzan. (2011). Explanation OF Entrepreneurs Psychological Specifications Role on Independent Entrepreneurship Process. (Case Study: Enpreneurs in Mazandaran Province). 10TH INTERNATIONALENTREPRENEURSHIP FORUM (IEF), creating social Economic, CULTURAL & PERSONAL VALUE 9-11 January 2011, Tamkeen, Bahrain.
- 57.-Assuman, A.M. (1998). University and entrepreneurship development. Academy of business and administrative science.
- 58.-Boroomandalipoor Navidreza, Ganji Jameshooran Bijan. (2012). Entrepreneurial Students the Best Way for Economic Development in Iran. 2012 2nd International conference on Economics, Trade and Development. IPER vol. 36 (2012) IACSIT press, Singapore. Pp 178-183.
59. Cheng Tan, Lay, French Arnold, Erika. (2012). Employability of graduates in Asia: an overview of case studies. GRADUATE EMPLOYABILITY IN ASIA. Published by UNESCO Bangkok Asia and Pacific Regional Bureau for Education. pp.1-4.
- 60.-Movahedi, reza, Fathi, hadi. (2011). ASSESSING AGRICULTURAL STUDENTS' ATTITUDE TOWARDS ENTREPRENEURSHIP. International Journal of Agriculture: Research
61. and Review. Vol 1, 1 (4), 168-173, 2011. Available online at <http://www.ecisi.com>.
- 62.-Niyonkuru, Richard. (2005). Entrepreneurship education at tertiary institutions in RMANDA: A situation analysis. May 2005, department of management, faculty of economic and management science, university of the western cape.
63. Shiri, Nematoollah, Mohammadi, Davoud and Hosseini, Seyed Mahmoud. (2012). Entrepreneurial Intention of Agricultural Students: Effects of Role Model, Social Support, Social Norms and Perceived Desirability. Scholars Research Library, Archives of Applied Science Research, 2012. pp. 892-897. Available online at [www.scholarsresearchlibrary.com](http://www.scholarsresearchlibrary.com)
- 64.-Schulte, Peter (2004). Higher Education in Europe. Carafax publishing , part of the taylor of contents. Vol , 24. No.2.
- 65.-Taheri Lari, Masoud & Ahmadian, Elaheh. (2012). Spiritual QuotiEent and entrepreneurship. International Journal of contemporary research in business, September 2012, vol 4, NO 5, PP 881-891.